

## دست کرزی را «سگ سیاه لیسیده است» ؟

در میان مردم چنین ضرب المثل است که هرگاه کسی با دیگری از در نیکی پیش آید ولی از جانب مقابل عکس العمل منفی بمشاهده برسد در آنصورت میگویند دست فلانی را سگ سیاه لیسیده است. آری برای آقای کرزی نیز چنین اتفاق افتاده است. اگر با در نظر داشت پس منظر حکومت های موقت و انتقالی که در نتیجه توافقات بن به وجود آمد و برخی چهره های رانده شده را دوباره روی صحنه ظاهر ساخت، اینرا به حساب اشکال آزمون بگذاریم، اما بعد از به قدرت رسیدن آقای کرزی منحنی رئیس جمهور انتخابی، دیگر مسیر و دورنمای توقعات و خواسته های مردم افغانستان کاملاً روشن بود. مردم در آرزوی ایجاد یک حکومت خدمتگذار، دلسوز به منافع ملی، متعهد به تسریع پروژه باز سازی و استفاده هرچه بهتر از کمکهای جامعه جهانی جهت بلند بردن سطح زنده گی مردم بودند. آنها هرگز انتظار آنرا نداشتند که حکومت در دست افراد و حلقاتی منحصر بماند که جز به منافع شخصی و گروهی خویش به چیز دیگری نمی اندیشند.

آقای کرزی نیز در این راستا با ممد قرار گرفتن در تحقق اهداف همچو افراد، حلقه ی معینی با اکثریت چهره های منفعت جو با گذشته جنایت بار را تحت عنوان "مصلحت" برگرداند. مردم سوار ساخت و آنقدر بر این مصلحتش یا فشاری نمود که باری در یک مصاحبه ی تلویزیونی اش این "مصلحت" را منحنی مهمترین و اساسی ترین پالیسی حکومتش به رخ مردم کشیده چنین وانمود ساخت که هرگز از این روشی که در پیش گرفته است دستبردار نخواهد شد. نصب افراد تشنه به ثروت اندوزی، اختلاسگر، غاصب و دریک کلمه جنایتکاران شناخته شده، در پست های مهم دولتی و حمایت شدید و حیران کننده آنها از جانب آقای کرزی تحت عنوان "مصلحت" بالأخره بعد از هفت سال حکومت، اداره آقای کرزی را در سطح ملی و بین المللی بمثابه یک حکومت بی کفایت و غرق در فساد به جهانیان معرفی کرد.

قبل بر آن زمانی که هر خانواده افغان از ظلم و بیداد تنظیم های جنایتکار و لو اگر برای یکبار هم بود باید خانه و کاشانه خود را ترک میکرد، بیشتر به کشور همسایه پاکستان مهاجرت کردند، در آنجا در دیار یاس و نا امیدی میشنیدیم که پاکستان یکی از کشور های بیست که بعد از مالیزیا در ردیف دومین کشور جهان از لحاظ فساد اداری یا Corruption به حساب می آمد. آنگاه دلهره داشتیم که مبادا این فرهنگ توسط دست پرورده گان شان به افغانستان نیز انتقال نیابد که بد بختانه همانطور شد و این مرض مهلک از وجود افراد ملوث به فساد و جنایات، دامنگیر ملت ما نیز گردید. سیاست مصلحت و گریز از عدالت انتقالی جرئت بیشتری به این افراد بخشید و در فکر آن شدند که تا دیر نشده باید در تبنانی با حلقات معین خویش از یک جانب کرزی را که از همان ابتداء از قرار گرفتنش در راس هرم دولتی رضایت نداشتند، در جامعه منفور ساخته و از جانب دیگر از مردم مصیبت دیده ی ما باج بکشند. در طول حکمروایی آقای کرزی بود که غصب و فروش املاک دولتی به شکل مافیای زمین ظهور کرد و نام فرد سرشناسی چون محمد قسیم فهیم که در راس این مافیا قرار دارد نیز از دید مردم پنهان نیست. همچنان بیداد فساد اداری، حیف و میل دارایی های عامه، گریز از قانون، بی عدالتی، سوء استفاده از مقامهای دولتی و بی اعتمادی روز افزون مردم نسبت به دولت به میزان نگران کننده یی اوج گرفت. مردم افغانستان با گذشت هفت سال به حکمت "مصلحت" حکومت آقای کرزی پی نبردند ولی آنچه واضح گردید عوارض جانبی این "مصلحت" بود که به گونه ی بحران بزرگی به شکل فساد اداری در جامعه ریشه دوانید.

طی سالهای اخیر کارمندان رده های پائین دولت با مشاهده ی اینکه افرادی کفایت، اختلاسگر، ثروت اندوز، بلند منزل ساز و سوداگران شیرپور در راس ادارات شان قرار گرفته و بدون هراس از عواقب اعمال شان که از مصنوعیت پالیسی "مصلحت" برخوردار اند، به حیف و میل دارایی های عامه می پردازند، آنها نیز به فساد در ادارات شان رو آوردند که امروز این بیماری همه ی اداره دولت را فاسد ساخته است. با وجود اینهمه، افراد و حلقاتی که تحت حمایت آقای کرزی قرار دارند، هم علنی و هم در خفا از ایشان ناراضی اند. آقای کرزی با سیاست "مصلحت" خویش طی چند سال گذشته نتوانسته است به میزان قابل توقع حمایت حلقات و افراد تنظیمی را بدست آورد، با آنکه این سیاست به قیمت نا امیدی و آزردگی مردم از حکومت موجود تمام گردیده است. هم اکنون اداره حکومت و دولت به استثنای محدود تکنوکراتهای که از خارج آمده اند، در دست افراد تنظیمیها

می چرخد ولی باز هم از جانب این افراد "انتقاد" میشود که گویا مجاهدین از قدرت کنار زده میشوند و یا بخاطر تیرنه خویش و کمرنگ و انمود ساختن نقش شان در انظار عامه ، میگویند که مجاهدین مسئولیت وضع موجوده را ندارند . از جانب دیگر این بی پاسی تنظیمی های فرصت طلب در برابر آقای کرزی تا آن حد بالا رفت که اخیراً معاون اول ریاست جمهوری احمد ضیاء مسعود به شکل مزحکی زبانش را به انتقاد از حامد کرزی گشود . آقای ضیاء مسعود باید بدانند که او هم کسی است که در اثر زد و بند ها و مصلحت در جایگاه شخصیت درجه دوم مملکت قرارگرفت و اکنون بعد از چهارسال و اندی که دوره زمامداری آقای کرزی و خودش را پایان یافته میبیند ، "بی خلطه فیر میکند" . بدینگونه به این نتیجه میرسیم که آیا دست آقای کرزی را سگ سیاه لیسیده است که با وجود سالها مصلحت ها یش نه تنظیمی ها از وی راضی هستند و نه هم افغانان عادی ؟

پایان